

وضعیت نامطلوب کتابخوانی در بوشهر

کتاب انتخاب بوشهری هان نیست!



الهام بهروزوی

«کتاب» در جوامع توسعه‌یافته به نسبت جوامع جهان سومی یا در حال توسعه از جایگاه بهتری برخوردار است؛ به‌طوری که شما در این کشورها اغلب در مراکز و مکان‌های عمومی با افرادی مواجه می‌شوید که کتاب به‌دست در حال مطالعه هستند؛ اما در کشورهای جهان سوم این تصویر کمتر دیده می‌شود؛ عموماً افراد در این جوامع در رستوران‌ها، کافه‌ها و یا خرید کردن لباس و کالاهای دیگر دیده می‌شوند.

ایران دقیقاً ملو از این تصاویر است و عمدتاً ما در سطح جامعه با افرادی مواجه می‌شویم که بیشتر فکر خرید کباب هستند تا کتاب! در این میان، البته متولیان فرهنگی کشور تلاش کرده‌اند تا با یافتن راهکارهایی بتوانند کتاب را به یکی از اقلام ضروری سبد خرید خانوارها بدل کنند؛ اما در این زمینه راه نرفته باقی است. برخی بر این باورند شرایط سخت اقتصادی در انزوای کتاب بی‌تاثیر نیست، در مقابل برخی دیگر معتقدند، اصلاً فرهنگ ایرانی‌ها، فرهنگ مکتوب نیست که کتاب در اولویت خرید مردم باشد!

به‌هر روی، همه این عوامل دست به دست هم داده تا کتاب نتواند راه خود را در سبد خرید خانوارها هموار کند و به همین دلیل، سرانه مطالعه در کشور در وضعیتی نگران‌کننده قرار گرفته است.

در برخی مناطق کشور، مثل بوشهر وضعیت کتابخوانی در شرایط نامطلوبی در مقایسه با دیگر مناطق کشور قرار دارد. طبق آخرین داده‌های مرکز آمار ایران، بوشهر در قعر جدول سرانه مطالعه کشور قرار دارد. چنین جایگاهی برای استان فرهنگ‌خیزی مثل بوشهر مثل یک فاجعه می‌ماند؛ البته در این زمینه برخی جامعه‌شناسان می‌گویند، افراد و معیارها و شاخص‌هایی که براساس آن میزان مطالعه بوشهری‌ها سنجیده شده است، جای بحث و گفت‌وگو دارد؛ اما با وجود این ادعا، وقتی به پیرامون خود می‌نگریم، عمدتاً با شهروندانی مواجه هستیم که چندان تمایلی به کتاب و کتاب خواندن ندارند؛ البته در این استان، هستند کتابخوان‌های حرفه‌ای که کتاب هیچ‌گاه از سبد خرید آن‌ها حذف نشده و مطالعه جز لاینفک زندگی آن‌هاست. حال این سوالات پیش می‌آید که چرا در بوشهر مردم کم کتاب می‌خوانند؟! و بی‌توجهی به کتاب چه پیامدهایی دارد؟ کتاب انتخاب مردم بوشهر نیست

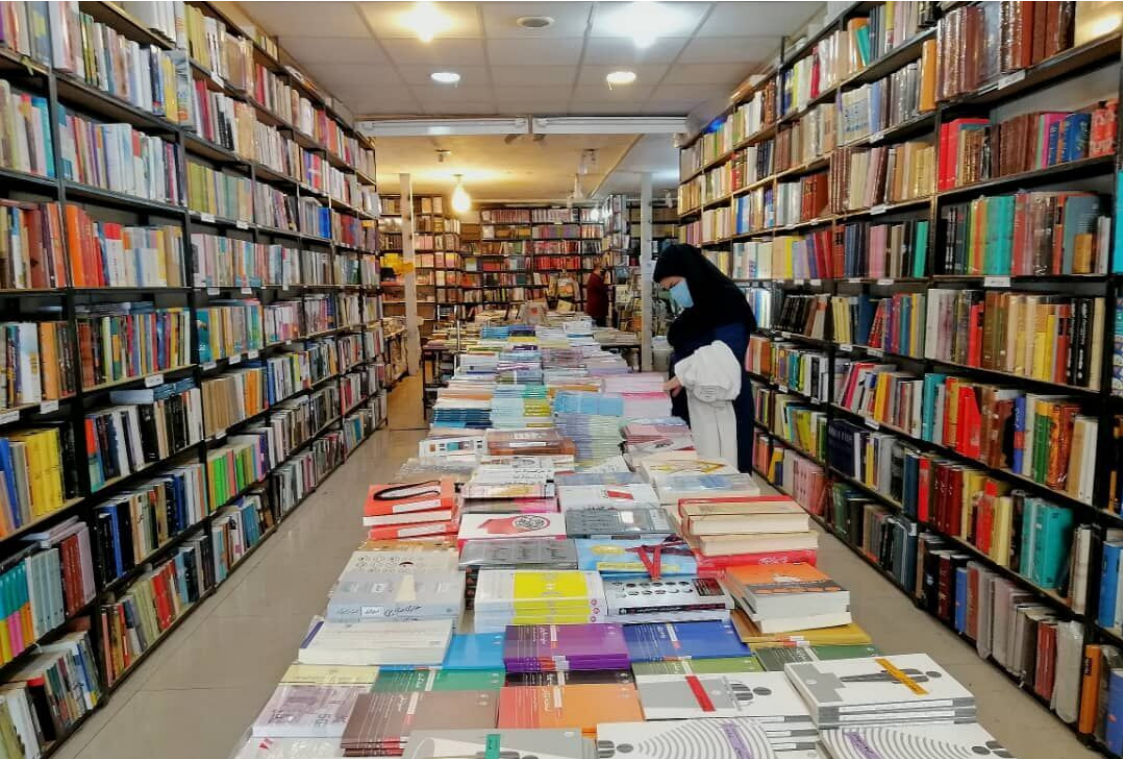
یک جامعه‌شناس و متخصص «سلامت اجتماعی» به ایننا درباره دلایل کم‌توجهی مردم بوشهر به مطالعه گفت: کتاب نخواندن مردم، پیامدهای منفی بسیاری دارد که اگر به این پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت بی‌توجهی کنیم، قطعاً باید هزینه زیادی بدهیم. طبیعتاً مطالعه یکی از ذخایر و سرمایه‌های فرهنگی جزا محسوب است. با کمک این ابزار در کنار تجربه، باورها و انتقادات می‌توان زمینه توسعه فرهنگ جامعه را فراهم کرد؛ البته خود تجربه‌اندوزی و تقویت باورها نیز از رهگذر مطالعه حاصل می‌شود. حال با توجه به این‌که انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است، باید فرهنگ را ارتقا دهیم. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهیم به استغنا و استقلال فرهنگی و همچنین دفع ضد فرهنگ‌ها، یعنی تهاجم فرهنگی برسیم، راهی جز رو آوردن به مطالعه نداریم. عیسی صفوی در ادامه در پاسخ به این پرسش که ضعف ساختار کتابخوانی در بوشهر چقدر در بی‌انگیزه شدن مردم برای مطالعه کتاب نقش دارد؟، توضیح داد: بی‌شک فقدان ساختارهای کتابخوانی در کاهش میل مردم به کتاب خواندن تاثیر دارد؛ اما این‌جا یک سوال را باید مطرح کرد که آیا ساختارهای موجود پاسخ نیاز و سلايق دوستداران کتاب و مطالعه را می‌دهد؟ جواب بله است؛ چراکه تعداد کتابفروشی‌های استان، در حال حاضر مطلوب است؛ به‌عبارت دیگر برای کتاب‌خوان شدن نیازی به کتابخانه فیزیکی یا کتابفروشی نیست؛ چراکه امروز فضای مجازی روند خرید و تهیه کتاب را تسریع کرده است و مخاطبان می‌توانند به‌راحتی از طریق سایت و کانال‌های تخصصی کتاب می‌توانند کتاب‌های مورد نظر خود را به شکل کاغذی یا الکترونیکی تهیه و خرید کنند. از این‌رو، امروز تمام ایران، کتابخانه‌های بوشهر هستند.

به گفته وی، بوشهر در زمینه فضای فیزیکی مطالعاتی موجود هم شرایط خوبی دارد؛ اما از همین فضا، چندان استفاده نمی‌شود. شاید برخی بگویند، فضای مطالعاتی موجود کیفیت ندارد؛ قطعاً این‌گونه نیست، چراکه مراجعه‌کننده برای استفاده از سالن‌های مطالعه در استان بوشهر اندک است؛ بنابراین تشخیص من این است که مهم ساختارهای کتابخوانی در ترغیب و انگیزه‌بخشی مردم به خواندن، تنها ۲۰ درصد است و ۸۰ درصد آن به انتخاب آن‌ها برمی‌گردد؛

باید بپذیریم که مطالعه، انتخاب مردم بوشهر نیست. شاید این‌جا برخی بگویند که فقر اقتصادی باعث شده، کتاب اولویت مردم نباشد! تجربه نشان می‌دهد، بسیاری از آن‌ها از نظر اقتصادی غنی هستند اما کتاب نمی‌خرند! بررسی کنید و ببینید، خانواده‌هایی که متمول و ثروتمند هستند، چقدر کتاب می‌خرند؟! می‌بینید که سه دهک پردرآمد جامعه، خیلی کم به کتاب رغبت نشان می‌دهند. صفوی تاکید کرد: راهکار کتابخوان کردن جامعه ریشه‌ای و ساختاری است؛ یعنی بایستی فرهنگ کتاب‌خوانی را مثل آموزش راه رفتن، آموزش زبان، یاد دادن غذاخوردن و... در همان سنین کودکی به فرزندان خود بیاموزیم. بنابراین ترویج کتابخوانی، اصلاً قضیه پیچیده‌ای نیست، اما به نظر می‌رسد داریم آن را پیچیده جلوه می‌دهیم. خیلی راحت باید اعتراف کنیم که خانواده بوشهری انتخابش مطالعه نیست که آن را به فرزندش آموزش بدهد.

وضعیت کتابخوانی در استان بوشهر نگران‌کننده است اسماعیل حسام‌مقدم، مدیر نشر «هامون نو» که از انتشارات پرکار استان بوشهر در حوزه کتاب‌های جامعه‌شناسی و مطالعات تاریخی و فرهنگی است، درباره وضعیت کتابخوانی مردم بوشهر به ایننا گفت: استان بوشهر عجلاتا در آخرین رتبه سرانه مطالعه در سطح کشور قرار دارد؛ حتی اگر بگوییم این آمار صد در صد صحیح نیست، اما حداقل می‌تواند کلیت وضعیت ناپهنجار و نگران‌کننده کتابخوانی در استان بوشهر را نشان دهد. حال طبق آماری دیگر، استان بوشهر در رتبه‌های نخست استفاده از شبکه‌های مجازی موبایلی در سطح کشور قرار گرفته است. این دو آمار و ارتباط آن‌ها می‌تواند نشان‌دهنده برخی واقعیت‌های عرصه عمومی در استان بوشهر باشد.

وی ادامه داد: به یاد دارم، در دهه هشتاد وقتی به کتابفروشی‌ها وارد می‌شدیم، قفسه‌های کتاب دو یا سه برابر قفسه‌های فروش نوشت‌افزار بود؛ اما در دهه ۹۰ این نسبت کاملاً عکس شده است که حکایت‌کننده تغییر ذائقه مخاطبان و شهروندان از خرید کتاب به‌عنوان محصول تولیدکننده اندیشه به مصرف وسایل فانتزی و جذابی مانند انواع لوازم‌التحریر و متعلقات آن است؛ سیطره مصرف‌گرایی، در کتابفروشی‌ها هم خود را برجسته و بارز کرده و این تغییر و چرخش فرهنگی را می‌شود در شکل و شمایل کتابفروشی‌ها امروز مشاهده کرد. حسام‌مقدم ادامه داد: در دهه ۹۰ با دو پدیده در جامعه ایران به‌طور عام و استان بوشهر به‌طور خاص مواجه شدیم؛ یکی ظهور «کشگران زیر پتو» یا همان شوالیه‌های ناموجود در فضای مجازی شبکه‌های موبایلی و دیگری فانتزی شدن اندیشه‌ورزی یا چشم‌نواز کردن همه محصولات



فرهنگی در قالب یک صنعت فرهنگی که هدف نهایی آن در قالب مصرف‌گرایی بیشتر بوده است. در این وضعیت خاص، عملاً دیگر جایی برای اندیشیدن و مطالعه کتاب باقی نمی‌ماند. به‌نظر می‌رسد با این ساختاری که در عرصه فرهنگ مواجه هستیم، اندیشه‌ورزی در کتاب و مطالعه در سطح تصاویر و ایمازهای فانتزی تقلیل می‌یابد. پیشنهاد و راهکار دقیق من، تغییر در ساختارهای سیاست‌گذارانه است.

این نویسنده و فعال حوزه نشر گفت: جامعه مدنی استان بوشهر در دهه ۹۰ متأسفانه در بند فضای جذاب و تخریدکننده شبکه‌های مجازی گرفتار و تقریباً از درون تهی شد. کتاب‌ها غالباً درباره فرایندهایی در واقعیت به خلق معنا پرداخته‌اند؛ اما غالباً افرادی در فضای مجازی، درباره امور فانتزی و خیالی دست به تولید متن زده‌اند محتوایی جذاب و در عین حال، تخریدکننده. به نوعی فضای مجازی افیون نخبگان جامعه شده است. در این شرایط، مسائل و مضضلات واقعی در سطح جامعه و فرهنگ مردم تبدیل به ایماژ و تصاویر خیالی شده و عملاً مشکلات و معضلات همان‌طور باقی می‌ماند و حل نمی‌شود و صرفاً تصاویری بی‌خود و بی‌جهت به خورد مصرف‌کننده داده می‌شود. این فرایندی است که در طول این یک‌دهه، باعث شده که جامعه مدنی در استان بوشهر از کارکرد اجتماعی و فرهنگی خود فاصله بگیرد و از همین رو نیازی به کتاب و مطالعه احساس نکند.وی در پاسخ به این پرسش مبنی بر اینکه نبود اتحادیه ناشران در بوشهر چه ضربه‌ای به ناشران استانی زده است، توضیح داد: بی‌شک هر چقدر که فعالیت‌ها در یک حوزه پیچیده‌تر شود، نیاز به تقسیم کار و وجود اصناف و شوراهای هماهنگی و مشارکتی بیشتر می‌شود. قطعاً ضرورت ایجاد اتحادیه ناشران در استان بوشهر وجود دارد و در اینجا می‌توانم این را هم ذکر کنم که جناب سیدقاسم یاحسینی، نویسنده و تاریخ‌پژوه معاصر جنوبی در چندین نوبت از اهمیت و ضرورت تشکیل اتحادیه ناشران استان بوشهر بحث به میان آورده است که می‌شود به آن جامه عمل پوشاند. این ضرورت از آنجایی برمی‌آید که در طول دوسه سال اخیر، به‌طور خاص شاهد ظهور نسلی جدید از ناشران در استان بوشهر هستیم که در مسیر به‌روز بودن و ایده‌های تخصصی، قرار گرفته‌اند و پیوندهایی هم با دیگر ناشران و مجموعه‌های فرهنگی در سراسر ایران برقرار کرده‌اند. بنابراین به‌نظر می‌رسد که برآمدن این نسل نو از ناشران در استان بوشهر، فرصت بسیار خوبی را برای تشکیل اتحادیه ناشران استان بوشهر به دست داده است. از این‌رو، از همه همکاران ناشرم در سطح استان بوشهر درخواست دارم که در یک اقدام و عمل مشترک، اتحادیه ناشران استان بوشهر

را برای سال نو تشکیل دهیم.

حسام‌مقدم در پایان یادآور شد: انتشارات «هامون نو» با توجه به نیاز جامعه امروز در سال ۱۴۰۰ عناوین متعددی در زمینه جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات تاریخی، مطالعات زنان و مطالعات جامعه مدنی منتشر کرده است و برای نشان دادن ظرفیت مستعد استان در حوزه نویسندگی تلاش کردیم تا با ارتباط با مرکز پخش و توزیع سراسری کتاب، اغلب کتاب‌ها را با شمارگان ۲۰۰ نسخه منتشر و بیشتر در سطح ملی توزیع شوند؛ چراکه در سطح محلی و استانی با معضل مخاطب مواجه هستیم!

حال یار مهربان در بوشهر خوب نیست

در ادامه این گزارش و برای سنجش چند و چون وضعیت کتابخوانی در بوشهر و بررسی علل کتاب‌خوانی آن‌ها خبرنگار ایننا با یکی از شهروندان بوشهری گفت‌وگو کرده است.

مژده پاینده، فعال رسانه درباره میزان مطالعه روزانه خود به ایننا گفت: به‌طور میانگین روزانه ۴۵ دقیقه مطالعه دارم. عوامل بازدارنده در حوزه کتابخوانی برای من مشغله و وقت کم است. با توجه به اینکه مدت زمان زیادی کار می‌کنم، خستگی ذهنی موجب می‌شود، نتوانم با فراغ بال و آرامش مطالعه کنم. به همین دلیل معمولاً زمانی کوتاه قبل از خواب، خود را مکلف به مطالعه می‌کنم و آخر هفته‌ها به مطالعه بیشتر سعی در جبران روزهای گذشته دارم. اگرچه باز هم کافی نیست و گاهی مطالعه یک کتاب ماه‌ها زمان می‌برد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا از تعداد کتابفروشی‌های بوشهر و کیفیت خدمات‌رسانی آن‌ها در حوزه کتاب رضایت دارد یا خیر؟ بیان کرد: خیر؛ چون تعداد کتابفروشی‌های شهر کم است و معمولاً برای پیدا کردن یک کتاب یا کتابی از انتشارات خاص باید به چندین کتابفروشی سر زد. کتاب‌های دست دوم هم که اصلاً در بوشهر پیدا نمی‌شود، مگر کتاب‌های کمک‌درسی برای دانش‌آموزان و کتاب‌های دانشگاهی که آن هم تنها محدود به یک کتابفروشی است.

پاینده همچنین در پاسخ به سوال دیگری که آیا به آخرین داده‌های مرکز آمار ایران مبنی بر اینکه بوشهر در آخرین رده سرانه مطالعه کشور قرار دارد، موافق هستید، گفت: گرچه از شیوه این آمارگیری اطلاعی ندارم و نمی‌دانم آیا با استانداردهای بین‌المللی انجام شده یا خیر، اما اگر سرانه مطالعه ارائه شده با تعریف شاخص جهانی یعنی تنها مطالعه کتاب (آن هم از نوع غیردرسی) و نه مطبوعات و سایت‌های اینترنتی و مجازی بوده باشد، باید بگویم بله، موافق هستم. حتی آمار ارائه شده را خوشبینانه می‌بینم؛ چراکه آنچه به‌طور میدانی مشاهده و برداشت می‌شود در بسیاری مواقع به «هیچ» نزدیک است؛ علاوه‌براین آمار تولیدات فرهنگی که خود نشانه‌ای از میزان مطالعه یک جامعه است نیز در استان بوشهر نشان می‌دهد، حال یار مهربان در بوشهر خوب نیست.وی در ادامه به نبودن عزم جدی برای تبلیغ کتاب در فضای شهری بوشهر اشاره و تصریح کرد: اگرچه کتاب و کتابخوانی باید یکی از دغدغه‌های فرهنگی مدیریت شهری باشد؛ اما فکر نمی‌کنم نصب المان‌های کتاب تاثیر چندانی، حداقل در وضعیت کنونی میزان مطالعه جامعه... بوشهر... داشته باشد. شرایط مطالعه در کشور و از آن بدتر در استان بوشهر، بحرانی است و عزم جدی به همراه طرح‌های کارشناسی شده‌ای را می‌طلبد. اگر قرار بود با چنین اقداماتی وضعیت بهبود می‌یافت، آن زمان که بوشهر را پایتخت کتاب ایران شد، باید این اتفاق می‌افتاد.

پاینده در پایان با اشاره به حوزه‌های مورد علاقه خود برای مطالعه توضیح داد: اگرچه علاقه‌مند به حوزه‌های ادبیات، داستان، علوم اجتماعی و فلسفه و عرفان هستم؛ اما خود را محدود به مطالعه یک حوزه خاص نکرده‌ام و سعی می‌کنم با توجه به نیازهایم مطالعه با موضوعات مختلفی داشته باشم.

از دید کارشناسان حوزه کتاب، بدون تردید تبدیل کتابخوانی به گفتافت رسمی استان، نیاز به مدیریت فرهنگی و تدبیر سیاست‌های کارشناسی‌شده، مبتنی بر روحیه و ذائقه مخاطب بوشهری دارد. به‌هر حال، فرهنگ چیزی نیست که ساخته شود، بلکه براساس کنش‌ها و شرایط اجتماعی و خرد جمعی شکل می‌گیرد. بنابراین باید برای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی، شرایط لازم و ساختارهای استاندارد با تکیه بر کنش و رفتارهای فرهنگی بخردانه ایجاد شود و عزمی همگانی شکل بگیرد؛ زیرا با اجرای چند طرح فصلی و جزیره‌ای عمل کردن برخی دستگاه‌های متولی حوزه کتاب نمی‌توان انتظار معجزه داشت و مردمی که گاهی در آمین‌ان شب خود مانده‌اند، به کتاب جذب کرد.ا ایننا

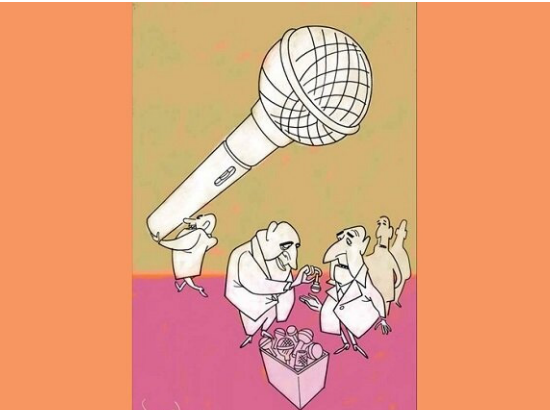
فقدان عدالت رسانه‌ای چه مشکلاتی دارد؟

از تهران در رده دوم برخورداری رسانه قرار دارد اما با داشتن ۱۴ روزنامه پس از خوزستان که ۲۵ روزنامه و مازندران که ۱۷ دارند، قرار گرفته است.فعالیت در عرصه روزنامه‌داری از رسانه‌نگاری با توجه به انبوه مسائل اقتصادی که مسئله کاغذ این روزها در اولویت‌شان قرار دارد، اتفاق مهم و قابل تاملی است. خصوصاً که هنوز هم در عرصه جهانی، فعالیت در نشریات مکتوب که روزنامه در صدر آن‌ها قرار دارد، موازین حرفه‌ای قابل اعتناتری را می‌طلبد که خود نشان‌دهنده ترکیب فرهنگی-فکری رسانه‌داری در هر استانی است.تهران ۲۵ خبرگزاری دارد. پس از آن قم با ۳ خبرگزاری، و سپس اصفهان و کردستان هر کدام با یک خبرگزاری، آمار کل خبرگزاری‌های کشور را تشکیل می‌دهند.

از آن جا که خبرگزاری‌های کشور مهم‌ترین محل تولید و انتشار اخبار رسمی با کمترین سرعت به نسبت روزنامه‌ها هستند، تمرکز آماری آن‌ها در تهران نشان می‌دهد که عمده اخبار مهم و انتشارشان به صورت متمرکز در پایتخت اتفاق می‌افتد. تعداد نسبتاً کم خبرگزاری‌ها، نشانه دیگری از تمرکز فعالیت خبری حرفه‌ای در ایران است.این مسئله می‌تواند توضیح دهد که چرا و چطور اخبار استان‌های کشور چندان در افکار عمومی کل کشور بازتاب ندارد. همین مسئله باعث می‌شود که دریافت عمومی مردم و مسئولان از خبر عمومی و استانی، به نحوی تغییر کند که بر ارزش‌های خبری معطوف به آن‌ها اثر بگذارد.این شکل دریافت از خبر خود تنش‌هایی را توضیح می‌دهد که به علت فقدان رسانه و عدم پیگیری مستمر و مستقیم مطالبات مردم در نقاط مختلف کشور، احساس محرومیت و مورد توجه نبودن در برخی مناطق بیش از سایر آن‌هاست.

جبران توسعه نامتوازن اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، می‌تواند از همین نقطه یعنی ایجاد توازن عادلانه رسانه‌ای در کشور آغاز شود و حاکمیت با شکل دادن به جریان‌های رسانه‌ای حرفه‌ای از مرحله آموزش تا تولید محتوا، در جبران و رفع این ضعف، نقش‌آفرین باشد.

گفتنی است استان تهران در تمامی موارد دارای اکثریت تعداد رسانه‌هاست.



۴۸۳۸ مورد مابقی را پایگاه‌های خبری تشکیل می‌دهند.

مجموع رسانه‌های الکترونیک غیربرخط در کل کشور شامل هفته‌نامه‌ها، مانماه‌ها و دوماه‌نامه‌ها، فصل‌نامه‌ها و دوفصل‌نامه‌ها و سالنامه‌ها هم به ۱۹۲۲ رسانه می‌رسد که ۱۰۸۷ از آن‌ها، فصلنامه‌های الکترونیک غیربرخط، ۴۴۲ مورد، دوفصل‌نامه غیربرخط و ۲۷۱ مورد نیز مانماهه غیربرخط هستند.نزدیکی آمار تعداد رسانه‌های چاپی (۶۴۸۵) و رسانه‌های الکترونیک (۶۷۹۰) نشان می‌دهد که هنوز هم در ایران، تمایل به رسانه‌های چاپی هم‌پای رسانه‌های الکترونیک وجود دارد.

این مسئله می‌تواند در برخی نقاط ناشی از وجود حمایت‌های اقتصادی دولتی از مطبوعات و رسانه‌های چاپی باشد و از سوی دیگر نشان می‌دهد که ایران، هنوز در عرصه رسانه به مرحله کشورهای توسعه‌یافته که به سرعت به سمت رسانه‌های الکترونیک رفته‌اند به نحوی که حیات برخی رسانه‌های چاپی آن‌ها، مورد تهدید قرار گرفته، نرسیده است.باید دقت داشت که اگرچه اصفهان بعد

سیاسی در این استان‌ها، در تعیین میزان درخواست آن‌ها برای داشتن رسانه، حدوداً به یک میزان اثرگذار بوده است.از سوی دیگر با مقایسه میزان اختلاف برخورداری از رسانه میان دو استان تهران در صدر جدول و استان خراسان شمالی در قعر این فهرست، متوجه می‌شویم که برخورداری اقتصادی و فرهنگی بر شکل توزیع رسانه تا چه اندازه اثرگذار بوده است.اگر بتوانیم از شاخصی تحت عنوان «عدالت رسانه‌ای» یاد کنیم آن‌گه متوجه خواهیم شد که حاکمیت در مدیریت تعداد رسانه‌ها از قضا باید بر خلاف برخورداری اقتصادی هر استان عمل می‌کرده است.درواقع از آن جا که رسانه، عامل اطلاع‌رسان محرومیت‌های هر منطقه است و می‌تواند مطالبه‌گری را به نحوی درست در کشور به جریان بیندازد به طوری که هم ضرورت‌ها مطرح و نیازها برطرف گردد و هم افکار عمومی مناطق محروم، مطالبات خود را به مرور مطرح کرده و دچار فشار عوامل روانی ناشی از محرومیت‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نشوند، ضرورت دارد که استان‌های محرومی نظیر خراسان شمالی و جنوبی و چهارمحال و بختیاری از تعداد رسانه‌های نسبی بیشتری برای مخابره رویدادهای خود برخوردار باشند.البته این مسئله پیش از اعطای مجوز، منوط به وجود درخواست برای داشتن رسانه در این استان‌هاست که در وهله اول مرتبط با وظایف حاکمیتی به نظر نمی‌رسد اما با نگاهی عمیق‌تر متوجه خواهیم شد که برای ایجاد توزیع متوازن و عدالت رسانه‌ای در کل کشور، حاکمیت وظیفه دارد، در استان‌های محروم شکل تولید اصولی رسانه‌ها را از مرحله آموزش آغاز کند و با تخصیص بودجه‌های ویژه، تولید محتوا را در آن مناطق سامان دهد.

*** تفکیک قالب انتشار**

طبق دسته‌بندی موجود در فهرست مورد اشاره در سامانه جامع رسانه‌های کشور، از مجموع ۱۳۲۷۵ رسانه موجود در کشور، ۶۴۸۵ مورد از مطبوعات یا رسانه‌های چاپی هستند.

از مجموع ۴۸۶۸ رسانه‌های الکترونیک برخط در کل کشور، ۳۰ مورد را خبرگزاری و

فاطمه ترکاشوند: یکی از فاکتورهای بررسی میزان توجه حاکمیت به رسانه‌ها می‌تواند تعداد رسانه‌های رسمی دارای مجوز باشد. فاکتوری که اگرچه نمی‌تواند میزان اثرگذاری، میزان تولید محتوا و شیوه تعامل و مواجهه حاکمیت با رسانه را توضیح دهد اما می‌تواند نشانه‌ای از احساس ضرورت و دغدغه‌مندی حاکمیت نسبت به رسانه باشد. خصوصاً اگر معیارهای اعطای مجوز به رسانه‌ها را هم در نظر گرفته باشیم.

از آن جا که تعداد رسانه‌های دارای مجوز در سامانه جامع رسانه‌های کشور در دسترس قرار دارد، در این گزارش به بررسی تفکیکی آن‌ها بر اساس تفکیک استانی و قالب انتشار خواهیم پرداخت.

*** تفکیک استانی**

از مجموع ۱۳۲۷۵ رسانه مجوزدار موجود در سراسر کشور، استان تهران با آمار ۵۹۹۴ رسانه اعم از اقسام رسانه‌های چاپی و الکترونیک در صدر قرار دارد.

پس از آن استان آذربایجان شرقی با ۵۷۲ رسانه، در رده دوم رسانه‌های مجوزدار کشور قرار گرفته است. اصفهان، خراسان رضوی، قم و سپس گیلان و خوزستان، هریک با برخورداری از ۵۱۹، ۵۱۲، ۴۹۵، ۴۷۲ و ۴۱۶ رسانه در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

این اختلاف فاحش با آمار اولین استان نشان می‌دهد که اولاً تهران به علت دارا بودن موقعیت پایتخت، هم از تکاپوی بیشتری از سوی گروه‌های مختلف برای کنش‌گری در حوزه رسانه برخوردار است و هم وزارت ارشاد به عنوان نهاد مسئول اعطای مجوز، به درخواست‌های بیشتری پاسخ داده است.

استان خراسان شمالی با ۳۸ رسانه در انتهای این فهرست قرار گرفته است. پیش از آن، چهارمحال‌وبختیاری با ۸۰ رسانه، زنجان با ۸۱ رسانه، استان خراسان جنوبی با ۹۱ رسانه و سمنان با ۹۶ رسانه در رتبه‌های بالاتر هستند.

توزیع نسبتاً متوازن رسانه‌ها در ۳۰ استان دیگر که در اعدادی میان ۸۰ تا ۶۰۰ رسانه قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که میزان برخورداری فرهنگی، اجتماعی و